

مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۱۰- بهار و تابستان ۱۳۹۳

دکتر شهلا رقیب دوست (استادیار زبانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران)^۱

الهه طاهری قلعه‌نو (دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران، نویسنده مسؤول)^۲

کاربرد مشخصه‌های صرفی، نحوی و بافتی در فرایند رشد مفهومی کودک

چکیده

مطالعات مربوط به زبان‌آموزی کودک نشان می‌دهد که طی فرایند رشد واژگانی، مهارت استنباط مفهوم «جنس» از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا نقش اساسی در شکل‌گیری توانایی‌هایی مانند تعمیم و مقوله‌سازی مفاهیم ایفای می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی میزان درک و تولید اسم جنس و نیز ارزیابی و مقایسه الگوی رشدی آن در دو گروه سنی کودکان فارسی‌زبان ۴-۵ و ۵-۶ ساله است. به این منظور، توانایی ۱۶ کودک فارسی‌زبان تهرانی در پردازش اسم جنس از طریق یک آزمون صرفی-بافتی (برگرفته از پژوهش کیمپین و مارکمن، ۲۰۰۸)، که در سه بافت زبانی (با مفهوم جنس، غیرجنس و خشتی) ارائه شده بود و نیز از طریق یک آزمون نحوی (برگرفته از کیمپین، ملترز و مارکمن، ۲۰۱۱) مورد مطالعه قرار گرفت. با تحلیل داده‌های این پژوهش مشخص شد که کودکان از سن ۴ سالگی قادر هستند با استفاده از مشخصه‌های صرفی-نحوی و بافتی، مفهوم «نوع» را در قالب اسم جنس درک و تولید کنند و میان جملات حاوی اسم جنس و غیرجنس تمایز قائل شوند. مقایسه عملکرد کودکان در دو گروه سنی نیز نشان داد که، مهارت پردازش اسم جنس در دو گروه سنی تفاوت معنی‌داری نشان نمی‌دهد. پژوهش حاضر مؤید آن است که آزمودنی‌ها برای تمایز قائل شدن میان اسم جنس و اسم غیرجنس علاوه بر بهره‌مندی از مشخصه‌های صرفی و نحوی از بافت زبانی نیز سود بردند.

کلیدواژه‌ها: رشد مفهومی، اسم جنس، مشخصه‌های صرفی و نحوی، بافت زبانی

۱. مقدمه

کودک از زمانی که نخستین واژه‌ها را از طریق برقراری انطباق میان واحدهای زبانی و مفهومی می‌آموزد، شروع به تعمیم^۱ مفاهیم می‌کند. با افزایش تعداد واژه‌های فراگرفته‌شده و

1 Extension

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۱

پست الکترونیکی: 2- neishabour@hotmail.com 1- elahetaheri96@yahoo.com

ذخیره آنها در مخزن ذهنی واژگان کودک، مهارت مقوله‌بندی مفاهیم و اطلاعات واژگانی در روندی رو به رشد نضج و قوام می‌یابد و امکان دسترسی نظام‌مند به عناصر واژگانی را فراهم می‌آورد. رشد شگفت‌انگیز واژگانی کودک نشان می‌دهد که او پس از چندین بار برخورد با یک واژه جدید و درک ارتباط مشخص آن با یک پدیده خاص، قادر به درک معنای آن واژه می‌گردد. او با توجه به نشانه‌هایی که در گفتار بزرگسالان یافت می‌شود، محیط اجتماعی، تعامل با دیگران و نیز با تکیه بر مهارت‌های عمومی شناختی خود (مانند ادراک، توجه و به‌یادسپاری) می‌تواند به سرعت کلمات جدید را بیاموزد (کلارک^۱، ۲۰۰۹: ۲۸) و نه تنها در یافتن معنای واژه‌ها، بلکه در یافتن واژه برای معانی جدید، توانایی خارق‌العاده‌ای را از خود به‌نمایش بگذارد. به‌نظر می‌رسد که این توانایی حتی پیش از این که کودک شروع به سخن گفتن کند، در او وجود دارد، زیرا واژه‌ها و معنای آنها احتمالاً به کودک کمک می‌کنند که جهان حیرت‌انگیز پیرامون خود را سازماندهی و مقوله‌بندی کند (اگر دی^۲، ۲۰۰۵: ۴۰).

پیازه^۳ (۱۹۵۹)، به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه مرحله‌ای رشد^۴، معتقد است که بین درک کودکان از مقوله‌بندی پدیده‌ها و روابط بین آنها ارتباط وجود دارد. کودکان ابتدا درباره طبقات اشیاء و روابط بین این طبقات به‌عنوان ایده‌های جداگانه فکر می‌کنند، ولی در نهایت، آنها را در قالبی یکپارچه درک می‌کنند و رابطه طبقات مختلف با یکدیگر را کشف می‌نمایند. طبق نظر پیازه^۵، کودکان برای مقوله‌بندی تجربیات خود باید درک درستی از ساختارهای سلسله‌مراتبی^۶ و روابط طبقه-شمول^۶ داشته باشند؛ به این معنی که آنها باید درک کنند که هر زیرطبقه باید همواره کوچک‌تر از هر طبقه‌ی شاملی باشد که آن زیرطبقه را دربر گرفته است و این توانایی در اواخر

1 Clark, E. V.

2 O'Grady, W.

3 Piaget, J.

4 Developmental Stage Theory

5 Hierarchical structures

6 Class-inclusion relations

مرحله عملیات عینی^۱، یعنی حدود سن یازده سالگی، بروزمی‌نماید^۲ (زیگلر و آلیبالی^۳، ۲۰۰۵؛ ترجمه خرازی، ۱۳۸۷: ۲۵).

از ویژگی‌هایی که در مقوله‌بندی و تعمیم افراطی^۴ معنای واژه‌های کودک نقش زیادی دارند، شکل، اندازه، صدا، مزه، بافت^۵ و کارکرد^۶ اشیاء و پدیده‌ها می‌باشد؛ برای مثال، کودک ممکن است همه حیوانات چهارپا، از جمله گربه و گوسفند را «سگ» بنامد، اما به محض آن‌که واژه «گربه» را بیاموزد، دیگر برای اشاره به آن حیوان از واژه «سگ» استفاده نمی‌کند (اگر دی، ۲۰۰۵: ۸۳). بدیهی است که مقوله‌بندی پدیده‌های جهان پیرامون با توجه و استناد به مفهوم «نوع»^۷ در ذهن کودک شکل می‌گیرد و در واقع، شناخت و تحلیل مفهوم نوع است که شالوده تفکیک و سازمان‌دهی دانش جهانی کودک و پی‌ریزی دقیق دسته‌بندی اطلاعات مربوط به واژگان ذهنی او شمرده می‌شود.

مفهوم «جنس»^۸ که در شکل‌گیری دانش عام^۹ و در نتیجه، در ارتقای توانایی‌های استدلالی و استقرایی کودک نقش مهمی ایفا می‌کند (گلمن^{۱۰}، ۲۰۰۴: ۴۵۶)، ریشه در شناخت کودک از مفهوم نوع دارد و نیز ابزاری کارآمد برای انتقال دانش است (کیمپین و مارکمن^{۱۱}، ۲۰۰۸: ۱۹). اسم‌جنس به تمامی موارد یا اعضای یک طبقه یا گروه خاص دلالت می‌کند و کل یک مجموعه را شامل می‌شود، به طوری که در آن از تفاوت‌های اعضای صرف نظر شده و تمامی اعضاء به‌مثابه

1 Concrete operational stage

۲ یازده چهار مرحله برای رشد کودکان در نظر می‌گیرد: ۱. مرحله حسی-حرکتی: از تولد تا دو سالگی. ۲. مرحله

پیش‌عملیاتی: دو تا هفت سالگی. ۳. مرحله عملیات عینی: هفت تا یازده سالگی. ۴. مرحله عملیات صوری: یازده تا شانزده سالگی.

3 Siegler, R. S. & Alibali, M. W.

4 Overextension

5 Texture

6 Function

7 Kind

8 Generic

9 Generic knowledge

10 Gelman, S. A.

11 Cimpian, A. and Markman, E.

عضوی واحد پنداشته می‌شوند (ر.ک. منشی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۵؛ پراسادا^۱، ۲۰۰۰: ۶۶؛ گل‌من، ۲۰۰۴: ۴۵۶).

زبان‌های مختلف برای اشاره به اسم‌جنس از انواع امکانات صرفی، نحوی و بافتی استفاده می‌کنند (کیمپین و مارکمن، ۲۰۰۸: ۱۹). زبان فارسی از هشت امکان بهره می‌گیرد: ۱. واژه به صورت منفرد و بدون نشانه ظاهری به کار برده شود که در این حالت، چنین اسمی «نوع»، «جنس» یا «معرفه» است (گرچه حیوان است)؛ ۲. گاهی برای بیان مفهوم جنس، اسم، جمع بسته می‌شود (بچه‌ها بازی را دوست دارند)؛ ۳. پیش از اسم جنس، کمیت‌نمای «هر» و پس از آن «ی» نکره آورده شود (هرگلی پژمرده می‌گردد)؛ ۴. هرگاه فعل جمله منفی باشد یا جمله به صورت استفهام انکاری به کار رود، پیش از اسم، کمیت‌نمای «هیچ» و بعد از اسم «ی» نکره آورده می‌شود (هیچ راهی نیست که پایان نداشته باشد) (منشی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۵)؛ ۵. استفاده از اسم معنی (سفیدی برف چشم را می‌زند) خانلری (۱۳۸۴: ۵۰). سه امکان دیگری که به نظر نگارندگان این پژوهش در زبان فارسی برای ارجاع به اسم جنس می‌تواند کاربرد داشته باشد، عبارتند از: ۶. استفاده از اسم غیرقابل شمارش (شکر شیرین است)؛ ۷. کاربرد زمان حال و نمود ساده در جمله (حیوانات در جنگل زندگی می‌کنند)؛ ۸. استفاده از ضمیر مفرد «آن/این» (آن یوزپلنگ وحشی است) و ضمیر جمع «آنها/اینها» به جای اسم (آنها گیاهان) به آب نیاز دارند) در بافت زبانی مشخص. علاوه بر امکانات فوق، بافت زبانی و دانش جهانی نیز در تفسیر اسم جنس دخالت دارند.

مطالعات متعدد، این یافته را مورد تأیید قرار می‌دهند که مفهوم «جنس» در فرایند رشد ادراکی کودکان به دلایل مختلف حائز اهمیت است. ۱. هیچ ابزار غیرزبانی‌ای (مانند اشاره کردن^۲) نمی‌تواند به طور شفاف یک مشخصه را به یک مقوله به‌عنوان کل نسبت دهد (گل‌من، ۲۰۰۴: ۴۵۶-۴۵۷). ۲. جملات حاوی اسم جنس در مقایسه با دیگر ابزارهای زبانی بر ماهیتی همیشگی و ثابت دلالت دارد؛ برای مثال، برخلاف جمله «همه سگ‌ها باوفا هستند»،

1Prasada,S.

2 Pointing

جملات حاوی اسم جنس (سگ باوفا/ است) در مورد مثال‌های نقض یا موارد استثنا نیز صادق هستند (پراسادا، ۲۰۰۰: ۶۶؛ کیمپین و مارکمن، ۲۰۰۸: ۲۰)؛ یعنی حتی اگر سگی بی‌وفا هم باشد، جمله حاوی اسم جنس (سگ باوفا/ است) صادق خواهد بود. ۳: جملات حاوی اسم جنس استنباط‌های استقرایی کودکان را نشان می‌دهد (کیمپین و مارکمن، ۲۰۰۸: ۲۰)؛ به‌عنوان مثال، استنباط‌های ممکنه که کودک پس از دیدن یک سگ باوفا خواهد کرد، می‌تواند از این قرار باشد: الف) فقط این سگ باوفا است؟ ب) یا به‌طور کلی همه سگ‌ها باوفا هستند؟ ج) و یا شاید دیگر حیوانات خانگی مودار هم باوفا هستند؟ کاربرد اسم جنس در تقابل با اسم غیر جنس در یک جمله این امکان را به کودک می‌دهد که درباره تعمیم‌پذیری خصوصیت مورد نظر تصمیم‌گیری کند. ۴: جملات حاوی اسم جنس به‌طور مکرر در گفتار بزرگسالان با کودک به‌کار می‌روند (گلمن، ۲۰۰۴: ۶۷).

برای انجام این پژوهش، که با تمرکز بر کمیت و کیفیت مهارت کودکان فارسی‌زبان در پردازش اسم جنس در دو آزمون صرفی-بافتی و نحوی صورت گرفته‌است، پرسش‌های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱. میزان توانایی درک و تولید اسم جنس در کودکان فارسی‌زبان در دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ سال) در آزمون صرفی-بافتی به‌لحاظ رشدی چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟
 ۲. میزان توانایی درک و تولید اسم جنس در کودکان فارسی‌زبان در دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ سال) در آزمون نحوی به‌لحاظ رشدی چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟
 ۳. کودکان فارسی‌زبان در دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله) چگونه از مشخصه‌های صرفی (شمار: مفرد و جمع) و بافت زبانی در درک و تولید اسم جنس و غیر جنس استفاده می‌کنند؟
 ۴. آزمودنی‌های کودک در دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله) چگونه از مشخصه‌های نحوی (زمان و نمود فعل) در درک و تولید اسم جنس و غیر جنس استفاده می‌کنند؟
- با توجه به پرسش‌های بالا، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. توانایی درک و تولید اسم جنس در آزمون صرفی-بافتی از چهارسالگی (پایین‌ترین گروه سنی کودکان مورد آزمون) آغاز می‌شود و با افزایش مهارت زبانی و کسب دانش جهانی در هر دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله) روند فزاینده رشدی نشان می‌دهد.
۲. توانایی درک و تولید اسم جنس در آزمون نحوی از چهارسالگی (پایین‌ترین گروه سنی کودکان مورد آزمون) آغاز می‌شود و با افزایش مهارت زبانی و کسب دانش جهانی در هر دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله) روند فزاینده رشدی نشان می‌دهد.
۳. کودکان فارسی‌زبان در گروه سنی بالاتر نسبت به گروه سنی پایین‌تر از مشخصه‌های صرفی (مفرد و جمع) و بافت زبانی در درک و تولید اسم جنس بیشتر و دقیق‌تر استفاده می‌کنند.
۴. کودکان فارسی‌زبان در گروه سنی بالاتر نسبت به گروه سنی پایین‌تر از مشخصه‌های نحوی (زمان و نمود فعل) در درک و تولید اسم جنس بیشتر و دقیق‌تر استفاده می‌کنند.

۲. پیشنهاد

تحقیقات متعددی درباره پردازش اسم جنس روی آزمودنی‌های کودک و بزرگسال انگلیسی‌زبان انجام شده است که در این بخش به برخی از آنها اشاره خواهد شد. پاپاس و گلمن^۱ (۱۹۹۸) در مقاله خود کاربرد اسم جنس را توسط کودکان پیش‌دبستانی و مادران آنها مورد بررسی قرار دادند. آنها به هر یک از آزمودنی‌ها کتابی ۱۶ صفحه‌ای را ارائه کردند که در هر صفحه از آن تصویری از یک یا چند حیوان از گونه‌های مختلف ارائه نمودند و از آنها خواستند که با دیدن هر تصویر جمله‌ای را بیان کنند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تفاوت فاحشی در کاربرد اسم جنس و غیرجنس در گفتار هر دو گروه والدین و کودکان وجود داشت. درحالی‌که عبارات حاوی اسم غیرجنس رابطه نزدیکی با تصویر داشتند (یعنی با دیدن تصویر یک حیوان، صورت مفرد اسم و با دیدن تصویر چند حیوان، صورت جمع اسم بیشتر به کار می‌رفت)، تولید عبارات حاوی اسم جنس چندان ارتباطی با تصویر مورد نظر نداشتند (به‌عنوان مثال، چه با

1 Pappas, A., & Gelman, S. A.

مشاهده تصویر یک حیوان و چه چند حیوان، بیشتر پاسخ‌هایی حاوی صورت جمع اسم به‌کار می‌رفت). تحلیل داده‌های این محققان نشان داد که عبارت‌های حاوی اسم جنس هم در دروندادی که کودک دریافت می‌کند و هم در گفتار خود کودک، به‌لحاظ سازمان‌دهی مفهومی با عبارت‌های حاوی اسم غیرجنس متفاوتند و کاربرد اسم جنس می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای رشد مفهوم «نوع» در کودکان شمرده شود.

هلندر، گلמן و استار^۱ (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کودکان چهارساله، مانند بزرگسالان، صورت‌های اسم جنس را تشخیص می‌دهند و میان صورت‌های عام و غیرعام تمایز قائل می‌شوند. گلמן، استار و فلاکس^۲ (۲۰۰۲) نیز نقش زبان، به‌ویژه گستره^۳ عبارات اسمی را، که در اطلاعات حاوی مشخصه جدید یک مقوله به‌کار می‌رود، مورد بررسی قرار دادند. استنتاج آنها در این پژوهش آن بود که کودکان چهارساله، همچون بزرگسالان، تفاوت صورت‌های عام را از صورت‌هایی که با عبارات «all» و «some» به‌کار می‌روند، تشخیص می‌دهند، و تفاوت‌های سنی در تفسیر اسم‌های جنس وجود دارد. در پژوهشی دیگر، گلמן و رامن^۴ (۲۰۰۳) با استفاده از پنج آزمون، تأثیر مشخصه‌های صوری زبانی و بافت کاربردی (با توجه به ضمیر «آنها») را در تفسیر صحیح اسم جنس بررسی کردند. یافته‌های پژوهش ایشان نشان داد کودکان دوساله از مشخصه‌های صوری زبانی و کودکان سه‌ساله علاوه بر آن از مشخصه‌های کاربردشناختی در تفسیر اسم جنس استفاده می‌کنند. بنابراین، چنین نتیجه‌گیری شد که کودکان از سنین پایین بین اسم جنس و غیرجنس تمایز قائل می‌شوند و در تشخیص اسم جنس از آمیزه‌ای از مشخصه‌های صوری و کاربردی بهره‌می‌گیرند.

کیمپین و مارکمن (۲۰۰۸) بهره‌گیری کودکان پیش‌دبستانی از مشخصه‌های زبانی را برای درک معنای اسم جنس مورد بررسی قرار دادند. داده‌ها نشان داد که کودکان چهارساله توانستند از تمام اطلاعات صرفی-نحوی، بافتی و کاربردی موجود بهره‌گیرند، اما کودکان سه‌ساله فقط به

1 Hollander, M. A., Gelman, S. A., & Star, J. R.

2 Gelman, S. A., Star, J. R., & Flukes, J. E.

3 Scope

4 Gelman, S. A., & Raman, L.

مشخصه‌های صرفی-نحوی و بافتی حساس بودند. در آزمون دیگر این پژوهش، برتری نسبی مشخصه‌های بافتزبانی و دانش پیشین مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد کودکان از سنین پایین قادر به بهره‌گیری از اطلاعات صوری، معنایی و کاربردی برای درک اسم‌جنس هستند و از دانش مقوله‌ای مربوط به این اسم‌ها در استنتاجات خود استفاده می‌کنند. کیمپین، ملتزر و مارکمن^۱ (۲۰۱۱) به بررسی مشخصه‌های صرفی-نحوی، از جمله نوع گروه اسمی، زمان و نمود فعل جمله در تشخیص اسم‌های جنس یا غیرجنس پرداختند. یافته‌ها نشان داد کودکان به ترکیبی از این مشخصه‌ها حساس هستند. بنابراین، امکان تشخیص و تفسیر درست اسم جنس فراتر از مهارت‌های درکی کودکان در سنین پایین نیست. گراهام، نایر و گلن^۲ (۲۰۱۱) عملکرد کودکان دو و دو و نیم‌ساله را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که تنها کودکان دو و نیم‌ساله از تمایز بین صورت‌های جنس و غیرجنس برای نتیجه‌گیری در مورد انواع جدید مفاهیم استفاده می‌کنند.

تردیف و همکاران^۳ (۲۰۱۲) با انجام سه آزمون روی ۱۹۲ کودک ۳ تا ۷ ساله و ۱۶۳ بزرگسال چینی مندرین^۴، تفسیر عبارات‌های حاوی اسم جنس را مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که برخلاف اعتقاد بلوم^۵ (۱۹۸۱)، بزرگسالان چینی زبان میان عبارات‌های حاوی اسم جنس (که با عبارات اسمی ساده بیان می‌شوند) و سایر عبارات حاوی کمیت‌نما^۶ تمایز روشنی قائل می‌شوند. به علاوه، آنها دریافتند که کودکان مندرین‌زبان نیز از سن ۵ سالگی قادر هستند میان عبارات حاوی اسم جنس با عبارات حاوی «همه» و «بعضی» تمایز قائل شوند. با این همه، از نظر این پژوهشگران مسیر رشد ذهنی برای چینی‌زبان‌ها طولانی‌تر از انگلیسی‌زبان‌ها است و آنها مشکل بیشتری را در پردازش «همه» و «بعضی» در مقایسه با اسم جنس نشان می‌دهند. نتایج همچنین بیانگر آن است که آزمودنی‌ها ابتدا دانش اسم جنس را

1 Cimpian, A., Meltzer, T. J. & Markman, E.

2 Graham, S. A., Nayer, S. L. & Gelman, S. A.

3 Tardif, T. Z., Gelman, S. A., Xiaolan, F., & Zhu, L.

4 Mandarin Chinese

5 Bloom, A.

6 Quantifier

فرامی‌گیرند و سپس، توانایی تشخیص میان عبارت‌های حاوی اسم غیرجنس از عبارت‌های حاوی اسم جنس را کسب می‌کنند.

گلمن و دیویدسن^۱ (۲۰۱۳) بر این باورند که یکی از نقش‌های مقوله‌ها آن است که از طریق آنها می‌توانیم استنتاجات استقرایی^۲ داشته باشیم. به نظر آنها، نتایج تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که کودکان با استفاده از نام‌گذاری مقوله‌ها توانایی استنتاج استقرایی خود را تقویت می‌کنند. آنها با هفت آزمونی که بر روی کودکان ۴ تا ۵ ساله و بزرگسالان (تعداد کل ۳۴۴ آزمودنی) انجام دادند، نشان دادند که برای مقوله‌های انواع غیرطبیعی^۳ که ارتباط مفهومی اندکی میان اعضاء آنها وجود دارد، کودکان بر اساس شباهت ادراکی دست به استنتاج می‌زنند، در حالی که استنتاج بزرگسالان بر اساس عضویت مقوله‌ای صورت می‌گیرد. در مقابل، برای مقوله‌های سطح پایه و هستی‌شناختی^۴ که پایه مفهومی اصولی دارند، کودکان و بزرگسالان هر دو به یک اندازه از عضویت مقوله‌ای بیش از شباهت‌های ادراکی به‌عنوان پایه استنتاجات خود استفاده کردند. یافته‌های آنها نشان داد که اطلاعات ادراکی در استنتاجات کودکان پیش‌دبستانی نقش دارد و همچنین مقوله‌های نام‌گذاری شده به‌لحاظ ظرفیت استنتاجی^۵ متفاوتند.

جستجوی نگارنده در پژوهش‌های انجام‌شده در زبان فارسی نشان داده‌است که در رابطه با موضوع این پژوهش، تاکنون مطالعه‌ای درباره کودکان فارسی‌زبان در ایران صورت نگرفته‌است.

۳. روش پژوهش

در پژوهش تجربی - میدانی حاضر، میزان و ماهیت مهارت درک و تولید اسم‌جنس در دو گروه سنی از کودکان فارسی‌زبان با توجه به بهره‌گیری آنان از انواع نشانه‌های صرفی و نحوی

1 Davidson , N. S.

2 Inductive inferences

3 Non-natural kind

4 Basic and ontological-level category

5 Inductive potential

و بافتی مورد مطالعه قرار گرفته است تا ضمن ارزیابی درون‌گروهی این مهارت، الگوی رشدی این مقوله دستوری نیز از طریق بررسی داده‌های بین‌گروهی مشخص و ارائه گردد.

۱-۳ متغیرهای پژوهش

گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله)، تک‌زبان بودن (فارسی‌زبان) و برخورداری از سلامت جسمی و روانی (که از طریق بررسی پرونده سلامت کودکان، پرس‌وجو از مربیان و مدیر مهدکودک محرز شد) به‌عنوان متغیرهای مستقل پژوهش در نظر گرفته شدند. نحوه عملکرد کودکان بر پایه نمرات آنان در دو آزمون زیر مبنای سنجش متغیر وابسته به‌شمار می‌آید:

نمره آزمون درک و تولید اسم جنس با استفاده از اطلاعات صرفی - بافتی: این متغیر نمره‌ای است که آزمودنی با توجه به میزان استفاده از مشخصه‌های صرفی و اطلاعات بافتی و نوع پاسخ درست (حاوی اسم جنس) و نادرست (حاوی اسم غیرجنس) کسب می‌کند.

نمره آزمون درک و تولید اسم جنس با استفاده از زمان و نمود فعل: این متغیر نمره‌ای است که آزمودنی با توجه به میزان استفاده از مشخصه‌های نحوی زمان و نمود فعل و نوع پاسخ درست (حاوی اسم جنس) و نادرست (حاوی اسم غیرجنس) کسب می‌کند.

۲-۳ آزمودنی‌ها

تحقیق حاضر روی دو گروه سنی، ۸ کودک ۴-۵ ساله (۶ دختر و ۲ پسر) و ۸ کودک ۵-۶ ساله (۳ دختر و ۵ پسر) انجام شده است. همگی کودکان سالم و تک‌زبان فارسی‌زبان بودند و از یک مهدکودک در منطقه پنج شهر تهران انتخاب شدند. این پژوهش در دو مرحله و به‌صورت متوالی در اسفند ماه سال ۱۳۹۱ انجام شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت انتخابی و هدفمند و با توجه به معیارهای مشخصی بوده است. در مرحله نخست، پس از انتخاب آزمودنی‌های مناسب، جلسه معارفه‌ای در محل مهدکودک تشکیل گردید و به منظور آشنایی هرچه بیشتر، گفتگوی خودمانی و صمیمانه‌ای با یک‌دیگر آنان به‌صورت انفرادی انجام شد. در مرحله دوم تحقیق، دو آزمون مورد نظر پژوهش روی کودکان به‌طور انفرادی در یکی از کلاس‌های مهدکودک اجرا

گردید و پاسخ‌های آنان به وسیله ضبط صوت رایانه‌ای ذخیره گردید و همزمان برای کسب اطمینان بیشتر، در جدول‌هایی که از قبل طراحی و تنظیم شده بودند، ثبت شد.

آزمون ۱: درک و تولید اسم جنس با استفاده از اطلاعات صرفی-بافتی

برای اجرای این آزمون که براساس پژوهش کیمپین و مارکمن (۲۰۰۸) تدوین شده است، ۶ تصویر رنگی از ۶ حیوان انتخاب شدند. برای هر یک از این تصاویر، جمله‌ای در یکی از سه حالت زیر به کودکان ارائه گردید: حالت ۱- جمله حاوی بافت زبانی اسم جنس، مثال: *بگذارید راجع به گربه‌ها یک چیزی به شما بگویم. آنها دوست دارند با ماشین اسباب بازی، بازی کنند.* حالت ۲- جمله حاوی بافت زبانی اسم غیرجنس، مثال: *بگذارید راجع به این دو ماهی یک چیزی به شما بگویم. آنها دوست دارند پشت صخره‌ها قایم بشوند.* حالت ۳- جمله حاوی بافت زبانی خنثی که فاقد اسم جنس یا غیرجنس است، مثال: *بگذارید یک چیزی به شما بگویم. آنها دوست دارند به پهلو بخوابند (منظور از ضمیر «آنها» در اینجا «خرگوش‌ها» هستند).* حالت خنثی به این منظور در نظر گرفته شد که دریابیم کودکان چگونه جمله هدف را در غیاب مشخصه‌های صرفی-بافتی تفسیر می‌کنند.

برای انجام این آزمون، آزمونگران سناریویی را طراحی کردند و در آغاز روش کار را برای آنها این گونه توضیح دادند: "سارا جون (برای مثال)! قبل از اینکه شروع کنیم، بگذارید کمی درباره این بازی برایتان توضیح بدهم. می‌خواهم چند تا عکس به شما نشان بدهم و بعد با آقا اردکه (عروسکی که آزمونگر با خود به همراه دارد) بازی کنیم. عزیزم! خوب، آماده‌ای عکس‌ها را به شما نشان بدهم؟". آزمونگر نخستین تصویر را که شامل یک جفت حیوان است (در وضعیتی که عروسک (اردک) را زیر میز پنهان کرده است) به کودک نشان می‌دهد و پس از اشاره به آن در یکی از سه بافت زبانی زیر می‌گوید: "بگذارید چیزی راجع به پرنده‌ها (حالت اسم جنس) / این دو پرنده (حالت غیرجنس) / حالت خنثی به شما بگویم. آنها از موش‌ها می‌ترسند". این روش کار در مورد هر ۶ تصویر انجام می‌شود. سپس، آزمونگر تصویر را کنار می‌گذارد و عروسک (آقا اردکه) را روی میز قرار می‌دهد و از کودک می‌پرسد: "خوب حالا می‌توانی به آقا اردکه بگویی چه چیزی یاد گرفته‌ای؟". اگر کودک در بازگویی رخداد تصویر و

پاسخ به آزمونگر از گروه اسمی حاوی اسم جنس برای اشاره به تصاویر استفاده کند، نشانگر آن است که از اطلاعات صرفی-بافتی جمله ارائه شده در درک و بیان اسم جنس به درستی استفاده کرده است.

آزمون ۲: درک و تولید اسم جنس با استفاده از زمان و نمود فعل

این آزمون نیز بر اساس آزمونی که در پژوهش کیپمن، ملتزر و مارکمن (۲۰۱۱) مورد استفاده قرار گرفته، تدوین شده است. هدف از اجرای آن، بررسی میزان توانمندی کودکان فارسی زبان در تشخیص اسم جنس/غیرجنس در جمله‌هایی با فعل زمان حال و نمود ساده، زمان گذشته و نمود ساده و زمان حال و نمود استمراری است. جمله‌های حاوی اسم جنس عموماً با فعل‌هایی در زمان حال و نمود ساده به کار می‌روند.

۶ محرک تصویری برای این آزمون انتخاب شد. کودکان به صورت تصادفی به سه گروه تقسیم شدند. یک سوم کودکان جمله دارای فعل زمان حال و نمود ساده، یک سوم جمله دارای فعل زمان گذشته و نمود ساده و یک سوم نیز جمله دارای فعل زمان حال و نمود استمراری را شنیدند. به غیر از نوع زمان و نمود فعل، جمله‌ها، که دارای فاعل حیوان بودند، در دیگر اجزا کاملاً یکسان بودند. ویژگی‌های حیوانات در این تصاویر طوری انتخاب شده‌اند که برای کودکان ناآشنا باشند تا از هرگونه تفسیر سوگیرانه‌ای در جهت تفسیر جنس و غیرجنس جلوگیری شود. آزمون در دو بخش برگزار شد. بخش اول شامل پرسش «فقط یک عضو» در برابر «همه گروه» است. این بخش شامل ۶ جمله (یک جمله برای هر تصویر) است. آزمونگر جمله‌ای (مانند: یک خفاش سروته می‌خوابد) را در زمان و نمود مورد نظر با توجه به گروهی که کودک در آن قرار گرفته است، یک بار بیان کرده و از کودک می‌پرسد: "آیا ما داریم درباره «فقط یک خفاش» صحبت می‌کنیم و یا درباره «کل گروه خفاش‌ها»؟ سپس، آزمونگر از او می‌خواهد چند دقیقه نقاشی بکشد. در بخش دوم، آزمون حافظه صورت می‌گیرد. در این بخش از کودک خواسته می‌شود که در مورد آنچه پیش از نقاشی گفته شده است، به عروسکی (آقاخرسه) توضیح دهد. اگر کودک جمله‌ای مانند «یک خفاش سروته می‌خوابد» را به صورت «خفاش‌ها سروته می‌خوابند» بازگو کند، نشان می‌دهد که جمله اول را به صورت جمله حاوی اسم جنس

تفسیر کرده‌است، اما اگر جمله «یک خفاش سروته می‌خوابد» را به صورت «آن خفاش سروته می‌خوابد» بازگو کند، حاکی از آن است که جمله اول به صورت جمله حاوی اسم غیرجنس تفسیر شده است.

۴. تحلیل داده‌ها

آزمون صرفی-بافتی در سه بافت زبانی انجام شد. پاسخ‌های کودکان در هر یک از سه بافت، در دو گروه تنظیم گردید. پاسخ‌های حاوی اسم جنس (پرنده/پرنده‌ها از موش می‌ترسند) به‌عنوان پاسخ درست در نظر گرفته شد و نمره «۱» به آن اختصاص یافت و در مقابل، پاسخ حاوی اسم غیرجنس (آن/آنها از موش می‌ترسند) پاسخ نادرست تلقی شد و نمره «۲» به آن تعلق گرفت.

در بخش اول آزمون نحوی، به تفکیک نوع جمله‌های دارای فعل‌های حال ساده، گذشته ساده و حال استمراری، پاسخ کودکان مورد ارزیابی قرار گرفت. در صورتی که کودک پاسخ «فقط یک عضو» را انتخاب می‌کرد، پاسخ او اسم غیرجنس (نادرست) تلقی می‌شد و نمره «۰» برای آن منظور می‌گردید، و اگر پاسخ «همه» را انتخاب می‌کرد، پاسخ او اسم جنس (درست) تلقی می‌شد و نمره «۱» به آن تعلق می‌گرفت. در بخش دوم این آزمون، نوع گروه اسمی مربوط به جمله‌ای که توسط کودک در خطاب به عروسک تولید شده بود، بررسی گردید. در این بخش نیز به تفکیک نوع جمله‌های دارای فعل‌های حال ساده، گذشته ساده و حال استمراری، هنگامی که کودکان از وابسته‌های پیشین (این، آن، این‌ها و آنها) همراه با اسم مفرد یا جمع برای اشاره به یک حیوان استفاده می‌کردند، نشانگر تفسیر اسم غیرجنس (پاسخ نادرست) بود و نمره آن «۰» در نظر گرفته می‌شد و در مقابل، تولید صورت جمع/مفرد اسم برای اشاره به کل گروه، نشان‌دهنده تفسیر اسم جنس (پاسخ درست) و نمره منظور شده برای آن «۱» بود. تحلیل داده‌های به دست آمده از هر دو آزمون صرفی-بافتی و نحوی با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت و سپس یافته‌ها با توجه به پرسش‌های پژوهش بررسی شد.

۴-۱ تحلیل داده‌های آزمون صرفی-بافتی

در این آزمون، دو نوع پاسخ آزمودنی، پاسخ حاوی اسم مفرد یا جمع به‌عنوان اسم جنس (مانند، پرنده/پرنده‌ها از موش می‌ترسند) و پاسخ حاوی ضمیر به‌عنوان اسم غیرجنس (مانند، آن

(پرنده) آنها از موش می‌ترسند» به صورت مجزا بر اساس نوع پرسش حاوی بافت زبانی اسم جنس (بگذارید چیزی راجع به پرنده‌ها به شما بگویم)، حاوی بافت زبانی اسم غیرجنس (بگذارید چیزی راجع به این دو پرنده به شما بگویم) و خنتی (بگذارید یک چیزی به شما بگویم) محاسبه و به تفکیک گروه سنی ثبت گردید. با توجه به آزمون تیمستقل^۱، میانگین^۲، انحراف معیار^۳، درجه آزادی^۴ و سطح معنی‌داری^۵ بدست‌آمده از پاسخ‌های حاوی اسم جنس و غیرجنس هر دو گروه سنی در آزمون صرفی-بافتی، نمرات آزمودنی‌ها در دو گروه سنی ۴-۵ سال و ۵-۶ سال در سه حالت آزمون صرفی-بافتی تفاوت معنی‌دار ندارد (Sig=۰/۳۳، t=۱/۰۰ و t=۰/۰، Sig=۰/۳۳ و t=۰/۰، Sig=۰/۶۴، t=۰/۴۷).

جدول ۱: مقایسه پاسخ‌های حاوی اسم جنس و اسم غیرجنس کودکان ۴-۵ و ۵-۶ ساله در سه

حالت آزمون صرفی-بافتی

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه سنی	پاسخ‌ها	جملات ارائه شده
۰/۳۳	۱۴	۱/۰۰	(۰/۳۵)	۱/۸۷	۵-۴	اسم جنس	حاوی اسم جنس
			(۰/۰)	۲	۶-۵		
۰/۳۳	۱۴	۱/۰۰	(۰/۳۵)	۰/۱۲	۵-۴	اسم غیرجنس	
			(۰/۰)	۰	۶-۵		
۱/۰۰	۱۴	۰/۰	(۰/۵۱)	۱/۶۲	۵-۴	اسم جنس	حاوی اسم غیرجنس
			(۰/۵۱)	۱/۶۲	۶-۵		
۰/۳۳	۱۴	۰/۰	(۰/۵۱)	۰/۳۷	۵-۴	اسم غیرجنس	
			(۰/۵۱)	۰/۳۷	۶-۵		
۰/۶۴	۱۴	۰/۴۷	(۰/۵۳)	۱/۵	۵-۴	اسم جنس	خنتی (فاقد اسم جنس یا غیرجنس)
			(۰/۵۱)	۱/۶۲	۶-۵		
۰/۶۴	۱۴	۰/۴۷	(۰/۵۳)	۰/۵	۵-۴	اسم غیرجنس	
			(۰/۵۱)	۰/۳۷	۶-۵		

1 Independent t.test

2 Mean

3 Standard deviation

4 Degree of freedom

5 Significance (p-value)

۲-۴ تحلیل داده‌های آزمون نحوی

در بخش اول آزمون نحوی کودکان دو نوع پاسخ تولید کردند: پاسخ «فقط یک عضو» حاوی اسم غیرجنس (پاسخ نادرست) بود و پاسخ «همه» حاوی اسم جنس (پاسخ درست) بود. آزمون تیمستقل، میانگین، انحراف معیار، درجه آزادی و سطح معنی‌داری پاسخ‌های درست حاوی اسم جنس (پاسخ‌هایی که به کل گروه اشاره می‌کنند) و پاسخ‌های نادرست حاوی اسم غیرجنس (پاسخ‌هایی که فقط به یک عضو اشاره می‌کنند) هر دو گروه سنی در بخش اول آزمون نحوی به تفکیک نوع جمله‌های دارای فعل‌های حال ساده، گذشته ساده و حال استمراری در جدول ۲ آورده شده است. نمرات آزمودنی‌ها در دو گروه سنی ۴-۵ و ۵-۶ سال در بخش اول آزمون نحوی تفاوت معنی‌دار ندارد ($t=0/6$, $Sig=0/55$ و $t=0/50$, $Sig=0/50$ و $t=0/00$, $Sig=1/00$).

جدول ۲: مقایسه پاسخ‌های حاوی اسم جنس و اسم غیرجنس کودکان ۴-۵ و ۵-۶ ساله در بخش

اول آزمون نحوی

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه سنی	پاسخ‌ها	جملات ارائه شده
0/55	14	0/60	(0/46)	1/75	5-4	اسم جنس	حال ساده
			(0/35)	1/87	6-5		
0/55	14	0/60	(0/46)	0/25	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/35)	0/12	6-5		
0/55	14	0/60	(0/46)	1/75	5-4	اسم جنس	گذشته ساده
			(0/35)	1/87	6-5		
0/55	14	0/60	(0/46)	0/25	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/35)	0/12	6-5		
0/61	14	0/50	(0/51)	1/62	5-4	اسم جنس	حال استمراری
			(0/46)	1/75	6-5		
1/00	14	0/00	(0/46)	0/25	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/46)	0/25	6-5		

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در بخش دوم آزمون نحوی از کودک خواسته‌شد که بر اساس جمله‌هایی که در بخش اول آزمون نحوی شنیده است، جملاتی را تولید کند. جدول ۳ آزمون تی مستقل، میانگین، انحراف معیار، درجه آزادی و سطح معنی‌داری مربوط به این بخش را نشان می‌دهد و حاکی از آن است که پاسخ‌های حاوی اسم جنس و اسم‌غیرجنس کودکان ۴-۵ و ۵-۶ ساله در سه ساختار بخش دوم آزمون نحوی در هیچ‌کدام از موارد در دو گروه سنی تفاوت معنی‌دار ندارد ($\text{Sig} = 0/33$ ، $t = 1/00$ و $\text{Sig} = 0/55$ ، $t = 0/60$ و $\text{Sig} = 1/00$ ، $t = 0/00$).

جدول ۳: مقایسه پاسخ‌های حاوی اسم جنس و غیرجنس کودکان ۴-۵ و ۵-۶ ساله در بخش دوم آزمون نحوی

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه سنی	پاسخ‌ها	جملات ارائه شده
0/33	14	1/00	(0/35)	1/87	5-4	اسم جنس	حال ساده
			(0/00)	2	6-5		
0/33	14	1/00	(0/35)	0/12	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/00)	0/0	6-5		
0/55	14	0/60	(0/46)	1/75	5-4	اسم جنس	گذشته ساده
			(0/35)	1/87	6-5		
0/55	14	0/60	(0/46)	0/25	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/35)	0/12	6-5		
1/00	14	0/00	(0/46)	1/75	5-4	اسم جنس	حال استمراری
			(0/46)	1/75	6-5		
1/00	14	0/00	(0/46)	0/25	5-4	اسم غیرجنس	
			(0/46)	0/25	6-5		

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف تحقیق پیش رو آن بود که دریابیم توانایی کودکان آزمودنی در هر دو گروه سنی (۴-۵ و ۵-۶ ساله) در پردازش اسم جنس چه تفاوتی با یکدیگر دارد. با تحلیل داده‌های

هر دو آزمون این پژوهش آشکار شد که توانمندی‌های هر دو گروه آزمودنی در استفاده از مشخصه‌های صرفی-بافتی و نحوی بسیار خوب بوده است و تفاوت نمرات آنها به لحاظ آماری معنی دار نبود. به این ترتیب، فرضیه ۱ و ۲ پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. عملکرد بسیار خوب کودکان در هر دو گروه سنی همچنین نشان داد که آزمودنی‌ها در هر دو گروه سنی قادرند از مشخصه‌های صرفی-بافتی و نحوی برای پردازش اسم جنس استفاده کنند. تحلیل داده‌ها نشان داد که تفاوت نمرات میان دو گروه کودکان در این مورد نیز به لحاظ آماری معنی دار نبود. در نتیجه، فرضیه ۳ و ۴ پژوهش نیز مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

در تحلیل کلی داده‌های این پژوهش دریافتیم که کودکان حداقل از سن ۴ سالگی قادر هستند که مفهوم «نوع» را در قالب «اسم جنس» درک و تولید کنند و میان جملات حاوی اسم جنس و غیرجنس تمایز قائل شوند. این نتیجه دلالت بر آن دارد که کودک با توجه به مشاهدات و تجربیات خود، روابط موجود میان اشیاء و پدیده‌ها را بر اساس شباهت‌های آنها درک کرده و مفاهیم را مقوله‌بندی می‌کند. بنابراین، هم‌سو با نتایج تحقیقاتی مانند هلندر و همکاران (۲۰۰۲)، گلمن و بلوم (۲۰۰۷) و کیمپین و مارکمن (۲۰۰۸)، می‌توان ادعا کرد که کودکان فارسی‌زبان قادرند از تمام امکانات دستوری و بافتی موجود در جمله برای تشخیص مفهوم جنس از غیرجنس بهره‌برند. یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه این نتیجه را مورد تأیید قرار می‌دهد که کودکان از دانش مقوله‌ای مربوط به عبارات اسمی حاوی اسم جنس در دریافت‌ها و استنتاجات خود استفاده می‌کنند و از این طریق می‌توانند ویژگی یک عضو از یک مجموعه را به تمامی اعضای آن مجموعه تعمیم دهند. این قابلیت شناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی، زمینه‌لازم را برای رشد مفهومی کودک فراهم می‌سازد و نظام زبانی و جهان‌شناختی او را سامان داده و تکوین می‌بخشد.

کتابنامه

- زیگلر، ر. و م. و. آلیالی، (۱۳۸۷)، *تفکر کودکان: روان‌شناسی رشد شناختی*، ترجمه و تلخیص سید کمال خرازی، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خانلری، پرویز، (۱۳۸۴)؛ *دستور زبان فارسی (چاپ بیستم)*، تهران: توس.

منشی‌زاده، م، «مشکل "یا"ی نکره و عدد "یک" در فارسی امروز (بجای مقابله‌ای در زبان فارسی و انگلیسی)»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۱۲، ۱۳۷۶، ۱۱۴-۱۱۸.

- Bloom, A. (1981). *The linguistic shaping of thought: A study in the impact of language on thinking in China and the West*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Cimpian, A., & Markman, E. M. (2008). Preschool children's use of cues to generic meaning. *Cognition*, 107, 19-53.
- Cimpian, A., Meltzer, T. J., & Markman, E. M. (2011). Preschooler's use of morphosyntactic cues to identify generic sentences: Indefinite singular noun phrases, tense and aspect. *Child Development*, 82(5), 1561- 1578.
- Clark, E. V. (2009). *First language acquisition* (2nd Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Gelman, S. A. (2004). Learning words for kinds: Generic noun phrases in acquisition. In D. G. Hall & S. R. Waxman (Eds.), *Weaving a lexicon*, Cambridge MA: MIT Press, 455-484.
- Gelman, S. A., & Davidson, N. S. (2013). Conceptual influence on category-based induction. *Cognitive Psychology*, 66, 327-353.
- Gelman, S. A., & Raman, L. (2003). Preschool children use linguistic form class and pragmatic cues to interpret generics. *Child Development*, 74(1), 308- 325.
- Gelman, S. A., Star, J. R., & Flukes, J. E. (2002). Children's use of generics in inductive inferences. *Journal of Cognition and Development*, 3(2), 179-199.
- Graham, S. A., Nayer, S. L., & Gelman, S. A. (2011). Two-year-olds use the generic/nongeneric distinction to guide their inferences about novel kinds. *Child Development*, 82(2), 493-507.
- Hollander, M. A., Gelman, S. A., & Star, J. (2002). Children's interpretation of generic noun phrases. *Developmental Psychology*, 38(6), 883-894.
- O'Grady, W. (2005). *How children learn Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pappas, A., & Gelman, S. A. (1998). Generic noun phrases in mother-child conversations. *Child Language*, 25, 19-33.
- Piaget, J. (1971). *Biology and knowledge*. Chicago: University of Chicago Press.
- Prasada, S. (2000). Acquiring generic knowledge. *Trends in Cognitive Sciences*, 4, 66-72.

15. Tardif, T. Z., Gelman, S. A., Xiaolan, F., & Zhu, L. (2012). Acquisition of generic noun phrases in Chinese: Learning about lions without an 's'. *Child Language*, 39, 130-161

ضمایم

فهرست محرک‌های آزمون ۱

تصویر	جمله
دو پرنده	آنها از موش‌ها می‌ترسند.
دو گربه	آنها دوست دارند با ماشین اسباب‌بازی بازی کنند.
دو سگ	آنها از راکن‌ها می‌ترسند.
دو ماهی	آنها دوست دارند پشت صخره‌ها پنهان بشوند.
دو خرگوش	آنها دوست دارند به پهلوی بخوابند.
دو مار	آنها دوست دارند غذایشان را نجویده قورت بدهند.

فهرست محرک‌های آزمون ۲

حال ساده	گذشته ساده	حال استمراری
یک خفاش سروته می‌خوابد	یک خفاش سروته خوابید	یک خفاش دارد سروته می‌خوابد
یک زنبور تمام روز کار می‌کند	یک زنبور تمام روز کرد	یک زنبور دارد تمام روز کار می‌کند
یک شیر خرگوش می‌خورد	یک شیر خرگوش خورد	یک شیر دارد خرگوش می‌خورد
یک میمون گوشت می‌خورد	یک میمون گوشت خورد	یک میمون دارد گوشت می‌خورد
یک مار غذایش را غورت می‌دهد	یک مار غذایش را غورت داد	یک مار دارد
غذایش را غورت می‌دهد	یک عنکبوت برای خانه‌اش تار بافت	یک عنکبوت دارد برای خانه‌اش تار می‌بافد